



استاد جلال الدین فارسی
عضو ستاد انقلاب فرهنگی

استراتژی آمریکا



استراتژی انهدام گسترده و قطعی

نظریه‌ای که مکنامارا ادامه داد در واقع پایه‌ای شد برای آنچه بعدها "استراتژی توانایی انهدام قطعی و توانایی محدود کردن انهدام" نام گرفت. دو جز این استراتژی در بحثهایی که در آمریکا و محافل بیمن آتلانتیک شمالی بر سر مسائل استراتژیک در گرفت از توجه خاصی برخوردار گشت و همچنان مورد توجه بود تا نیمه اول دهه ۱۹۷۰، گفتگو و بحث بیشتر روی این مسئله متمرکز میشد که چگونه میتوان دو جز این استراتژی را هماهنگ و منسجم

شهرهای شوروی و چین را نابود سازد و در عین حال قادر باشد از شدت ویرانی و جدت تلفاتی که به آمریکا و متحدانش وارد می‌آید بمقدار معنایی بکاهد. اما می‌افزود که آمریکا بلحاظ قدرت انتقامگیری استراتژیک هر قدر هم تفوق پیدا کند باز در یک جنگ هسته‌ای طرفین جنگ هر دو سهمگین ترین خسارتها و تلفات را خواهند دید، و هیچ چیز یکی از طرفین جنگ را از تحمل چنین صدمات هولناکی برکنار و محفوظ نگاه نخواهد داشت.

در سال ۱۹۶۵ رابرت مکنامارا نظریه خود را در باره چگونگی استراتژی دفاعی آمریکا در برابر تهدیدهای نظامی روزافزون شوروی و چین بیان داشت. بنظری آمریکا میبایست توانایی خود را در وارد ساختن ضربه دوم به بالاترین حدی که امکانات و شرایط اجازه میدهد برساند، آنها هم از طریق نگهداری نیروهایی بدون حجم و بزرگی که در صورت درگرفتن یک جنگ هسته‌ای گسترده میان دو بلوک شرق و غرب بتواند همه توان نظامی و مراکز اجتماعی و

در دو جهت کیفی و کمی تشدید میکند ، زیرا بر اساس مبارزه با موشکهای گوناگون نهاده شده است و جنگ ضد موشک مستلزم اختراع و تولید موشکهایی است پیچیدهتر از هر نوع موشک دیگر . چنانکه کمیته " ویزای که در آمریکا جهت پیدا کردن " سیاستهای هستهای حکیمانه " SANE تشکیل شده است در یکی از گزارشهای خود همین حقیقت اساسی و حیاتی را تأکید می کند : " استراتژی محدودیت داشره انهدام ، طرفین را مجبور میسازد تا نیروی موشکی ضد موشک خود را هر چه بیشتر افزایش دهند و تکمیل کنند زیرا مجبورند برای هر موشک نوع عادی دشمن چندین موشک پیچیده و پرخرج اختصاص دهند . با هر تغییری که دشمن در مواضع موشکی خود بدهد چه جابجایی و چه مستحکم ساختن یا برانگنده و متفرق ساختن آنها در مساحتی بسیار وسیع ، ناگزیر باید بر تعداد موشکهای ضد موشک افزود " .

سکوی پرتاب استفاده میکنند این دوتدبیر باعث میشود که کار انهدام بخش بزرگی از نیروهای استراتژیک شوروی هر چه مشکل تر شود . این دشواری در صورتی بیشتر خواهد گشت که دشمن پیشدستی کرده ضربه نخستین را وارد آورد . در این حالت آن دسته از موشکهای آمریکا که قبلا برای زدن ضربه دوم بسوی پایگاهها و زیردریاییهای مجهز به موشکهای هستهای دشمن نشانهگیری شده است بلاهدف میمانند و تعداد موشکهای هستهای شوروی که ممکن است منهدم و نابود شود محدود و معدود خواهد شد .

۱ - توانایی آمریکا بر انهدام گسترده دشمن یک عامل قاطع و موثر است برای اینکه دشمن را از هر گونه حمله تازه ای به ایالات متحده آمریکا و متحدانش بازدارد ، زیرا وجود چنین توانایی باعث میشود دشمن حساب کند که شهرهایش بیش از آن منهدم خواهد شد که موشکهایی که به خاک آمریکا و متحدانش می فرستد میتوانند منهدم و خراب کنند .

۲ - استراتژی انهدام گسترده یک استراتژی قابل اجرا است ، زیرا نابود کردن

استراتژی محدودیت دائره انهدام ، طرفین را مجبور میسازد تا نیروی موشکی ضد موشک خود را هر چه بیشتر افزایش دهند و تکمیل کنند

دشمن را خیلی کمتر از استراتژی محدودیت دائره انهدام ، تحریک به حمله میکند . زیرا اجرای استراتژی اخیر منوط به این است که پیشدستی شود و ضربه نخستین به دشمن وارد آید ، حال آنکه استراتژی اولی برای این اساس نهاده شده است که با ضربه دوم که ضربه انتقامگیری و انهدام کننده ای است مراکز نظامی و پایگاههای موشکی دشمن از جمله موشکهایی که قبلا پرتاب شده منهدم شود . نیروی از استراتژی محدودیت دائره انهدام - که اساس زدن پایگاههای

محدود کردن تسلیحات ، خیلی بیشتر از زمانی خواهد بود که آمریکا از استراتژی محدودیت دائره انهدام پیروی کند . برای انهدام هدفهایی که در استراتژی انهدام گسترده و قطعی پیشبینی شده است فقط به تعداد معینی از موشکهایی که زیاد هم پیچیده نیستند نیاز است . حال آنکه استراتژی دیگر مستلزم تهیه هر چه بیشتر انواع موشکها آنهم موشکهایی با ساختن پیچیده است ، و بدین سبب یک استراتژی بسیار پرخرج است . بعلاوه سابقه تسلیحاتی را

شهرهای دشمن خیلی آسان تر از نابود کردن موشکهای آن است . موشکهای دشمن بعلت این که سرعت زیاد دارند ، در ارتفاع بسیار بالا پرواز میکنند ، سهولت پنهان و ستور می شوند از آسیب دور میمانند و سختی میتوان آنها را زد ، در حالیکه شهرها هدفهایی ثابت و غیر قابل اختفا و استتارند . مکنامارا خود در بیان این حقیقت گفت : شورویها چون پایگاههای موشکی خود را برانگنده می کنند و بسوی پرتاب آنها بیشتر از زیر دریایی بعنوان

موشکی و هدفهای نظامی و برهه‌ساز زدن شهرها و هدفهای غیر نظامی است - باعث ترس و نگرانی دشمن دائمی از این میشود که هدف ضربه نخستین قرار گیرد ، و همین نگرانیها و هراس دائمی در صورت تشدید ممکن است او را به اقدام به یک جنگ غافلگیر کننده پیشگیرنده برانگیزد .

در باره استراتژی دیگر که مبتنی است بر محدود کردن دائره انهدام و حصر آن به هدفها و مراکز نظامی ، گفته میشود که دو جنبه دارد : یکی این که چون تاکیدش بر روی منهدم کردن موشکهای دشمن است خطر موشکهای شوروی را که روی قلب قاره آمریکا نشانهگیری شده است دفع می کند . اما جنبه دیگری که انهدام را در دائره موشکهای دشمن محدود میکند خاصیت دیگری دارد و آن این است که شهرهای دشمن را تبدیل به گروگانی میکند که در صورت اقدام دشمن به انهدام شهرهای آمریکا در معرض انتقام قرار خواهد داد ، و چون چنین اقدامی جنون-

عیب دیگر این است که کمتر از استراتژی محدودیت دائره انهدام برای دشمن باور شدنی است ، و ثابت است که باور شدنی بودن تهدید و بکار بستن استراتژی یک شرط اصلی در اثر بخشیدن آن است و استراتژی هر قدر برای دشمن بیشتر باور شدنی و قابل تصدیق باشد همانقدر موثرتر است در بازدارندگی و منع او از دست زدن به حمله . استراتژی محدودیت دائره انهدام برای دشمن باور شدنی است اما استراتژی انهدام گسترده و قطعی که بر پایه زدن هدفهای نظامی و شهرها و روستاها است و بمعنای انتحار متقابل و نابود شدن مهاجم و مدافع ، برای دشمن سهولت باور شدنی نیست . همچنین استراتژی محدودیت دائره انهدام این خاصیت را دارد که نمیتواند برای دفاع از متحدان اروپایی آمریکا در صورتی که مورد تجاوز قرار گیرند بکار رود . اگر آمریکا از این استراتژی پیروی کند آنان اطمینان پیدا می کنند که آمریکا برای دفاع از تجاوز به آنان به کمکشان خواهد

مطرح میکرد نکاتی را روشن ساخت که نشان میداد میان این استراتژی و برنامه دفاع با موشکهای ضد موشک - که وزارت دفاع آمریکا با اصرار میخواست موافقت کنگره را با آن جلب کند - رابطهای استوار هست . وی گفت چون هدف استراتژیک هر دو دولت آمریکا و شوروی یکی است و در بازدارندگی دشمن خلاصه میشود قدرت انهدام برای آمریکا درست همان مساله محدود کردن دائره انهدام برای شوروی را تشکیل میدهد . از این جهت بعضی این که نیروهای آمریکا به این مرحله از توانائی رسیدند که دشمنان آمریکا را بطرز گسترده و قطعی منهدم کنند آنوقت میتوان اندیشید که چگونه میشود دائره انهدام را محدود ساخت . این که بتوانیم خسارات و تلفاتی را که دشمن بر ما وارد می آورد محدود و کم کنیم امری است مورد شک و تردید . مردم آمریکا را نمیتوان در برابر اثر انهدامی و مهلک موشکهای هسته ای دشمن بطور کامل حفاظت کرد و در امان نگاه داشت . قدرت هسته ای

استراتژی انهدام گسترده و قطعی که بر پایه زدن هدفهای

نظامی و شهرها و روستاها است ، برای دشمن سهولت باور

شدنی نیست

آمیز خواهد بود که از هیچ آدم مسئول و عاقلی سر نمی زند این استراتژی فرصت راه حل های سیاسی را افزایش میدهد بطوریکه حتی پس از یک جنگ هسته ای که طرفین علیه هدفهای نظامی و موشکهای یکدیگر می کنند می توانند با هم به مذاکره سیاسی بنشینند و از گسترش جنگ هسته ای به مناطق و هدف های غیر نظامی و شهرها بپرهیزند .

عیب استراتژی اول این است که دشمن را مجبور میسازد تدابیر مشابهی اتخاذ و از همین استراتژی پیروی کند .

شتافت و با نابود کردن موشکها و هدفهای نظامی دشمن او را سر جایش خواهد نشانند اما در صورتیکه آمریکا از استراتژی انهدام گسترده و قطعی پیروی کند در صورت حمله شوروی به اروپای غربی با وقوع یک جنگ محدود دیگر بعید است که آمریکا بخاطر متحدانش دست به جنگی بزند که بمعنای انتحار متقابل است و تازه هیچ نتیجه مطلوبی هم برای متحدان آمریکا که مورد تجاوز قرار گرفته اند دربر نخواهد داشت . مکنامارا وقتی استراتژی دو جزئی خود را

آمریکا گرچه هولناک است اما تنها نیروهای تهاجمی استراتژیک شوروی هستند که قادرند هدفهای خود را در آمریکا تعیین کنند و دائره انهدامی را که میخواهند اختیار نمایند . از آمریکا که هدف حمله است کار چندانی در این خصوص ساخته نیست . حتی در صورتی که آمریکا سیستم کاملی برای دفاع از موشکهای خود داشته باشد باز شوروی قادر خواهد بود صدمات مهلکی بر بیکر ما وارد آورد .